

## جلوت و خلوت امنیتی اردوغان

شرایط در ترکیه به گونه‌ای است که وقوع بحران امنیتی، سیاسی و اجتماعی در آن حتمی به نظر می‌رسد.

ترکیه پس از انتخابات آبان‌ماه گذشته باید به سمت آرامش حرکت می‌کرد چرا که نتیجه انتخابات مشکلات تشکیل دولت را حل کرد و به حزب حاکم امکان داد تا بدون نیاز به حمایت احزاب دیگر، دولت را تشکیل دهد. اما اینک احمد داوود اوغلو که پیش از این نیز نخست‌وزیر بود، مامور شد تا چنین کابینه‌ای را شکل دهد. اما در عین حال ترکیه دچار تنش سیاسی - امنیتی گردید و این نشان می‌دهد که راه برای اعمال حاکمیت توسط حزب حاکم (عدالت و توسعه) آنچنان که تصور می‌شد، هموار نیست. در این خصوص نکاتی وجود دارد:

۱- حزب اردوغان برای کسب آرای ترک‌زبان‌ها که مخالف مصالحه دولت و حزب ... بودند، فشار بر کردها را در فاصله انتخابات هفتم خردادماه تا دهم آبان‌ماه که انتخابات زودرس پارلمانی برگزار شد، به درگیری با کردها روی آورد و انتظار می‌رفت که این درگیری با پایان انتخابات خاتمه پیدا کند اما این درگیری تداوم پیدا کرد. امروز در هفت استان شرقی ترکیه شامل وان، دیاربکر و... درگیری بین دولت و کردها تا آنجا بالا گرفته است که ارتش ترکیه با استفاده از هواپیماهای بمب‌افکن به خانه‌ها و خیابان‌ها حمله می‌کند و در عین حال تسلط بر این استانها را نمی‌تواند اعاده نماید. علاوه بر آن کردها در پرجمعیت‌ترین شهر ترکیه - استانبول - و در پایتخت، هر روزه تظاهرات ضد دولتی برگزار می‌کنند و متقابلاً پلیس با بستن خیابانهای مرکزی در این دو شهر مهم به مقابله با تظاهرات آنان می‌رود. سوال این است که درگیری پس از انتخابات، انتخاب دولت اردوغان است و یا انتخاب کردها؟ بسیاری از مردم ترکیه معتقدند دولت کماکان با امنیتی‌سازی فضا، تلاش می‌کند تا از یک سو صدای مخالفان را خاموش کند و از سوی دیگر به اجماع اجتماعی به نفع خود دست یابد و بر این اساس از آنجا که دولت، کردها را مهمترین عامل سلبی در وحدت ملی ارزیابی می‌کند، با بالا کشیدن فتیله درگیری علیه کردها در پی آن است تا وضعی امنیتی را ناپایدار معرفی کرده و ضرورت تجمع حول محور دولت و راهبردهای آن را یادآور شود. اما در این میان بخش دیگری از مردم ترکیه معتقدند درگیری‌ها در شرق و مرکزیت سیاسی و اقتصادی ترکیه بیانگر آن است که دولت ضعیف شده و علیرغم پیروزی در انتخابات، قادر به جمع کردن اوضاع نیست و از این رو به دام مخالفان افتاده و به زودی در گرداب اعتراضات و واکنش‌های اجتماعی محو می‌گردد. این هر دو نگرش با نشانه‌ها و خبرهایی توأم است ولی آنچه در این میان به اجماع گفته می‌شود این است که ترکیه در حال حرکت به سمت تونل بحران امنیتی است و شرایط آینده آن تا حد زیادی نامعلوم است.

احساس اینکه اوضاع در ترکیه از نظر امنیتی هر روز بدتر می‌شود تا همین جا ضربات سنگینی به اقتصاد ترکیه که به شدت وابسته به توریسم می‌باشد، وارد کرده است. توریسم به دلایلی از جمله دلیل امنیتی با کاهش شدیدی مواجه گردیده و منع سفر شهروندان از سوی دولت‌های غربی نشان می‌دهد که این روند کاهش استمرار پیدا می‌کند. وضع ترکیه به میزانی که از نظر اقتصادی دچار مشکل شود، از جنبه سیاسی نیز دچار مشکل شده و سبب بالا گرفتن صداهای اعتراضی در بخش‌های مختلف می‌شود چرا که بهبود شرایط اقتصادی یکی از مهم‌ترین دلایل روی آوردن مردم به حزب عدالت و توسعه در فاصله سالهای ۱۳۸۱ تاکنون بوده است. وقتی چنین مزیتی برای این حزب - به نسبت سایر احزاب - وجود نداشته باشد، دلیلی هم برای ترجیح آن وجود ندارد.

۲- دولت ترکیه همزمان با درگیری‌های داخلی به شاخ و شانه کشیدن برای همسایگان خود از جمله روسیه، عراق، سوریه و ایران

می‌پردازد. ورود یگان‌هایی از ارتش ترکیه به منطقه عشیقه در شمال استان موصل و اصرار مقامات این کشور به بقا نیروهای خود در عراق، تنش میان آنکارا و بغداد را تا آنجا بالا برد که عراق سفیر ترکیه را به کشورش بازگردانید. اقدامات ضد روسی ترکیه که از حمله به هواپیمای سوخوی ۲۴ شروع شد! درگیری‌های لفظی علیه مقامات روسیه استمرار یافته است. حملات سیاسی و رسانه‌ای ترکیه علیه سوریه و دولت بشار اسد هم به موازات تحریکات ضد عراقی و ضد روسی استمرار پیدا کرده است، اعزام یگان‌هایی از ارتش به مرزهای جنوبی با سوریه نشان می‌دهد که تحریکات بیشتری ممکن است در پی باشد. همزمان با این روند، دولت ترکیه و رسانه‌های رسمی این کشور حملات شدیدی را علیه ایران انجام داده‌اند که در طول دوران حکومت حزب عدالت و توسعه بی‌سابقه بوده است. موضوعات فوق این سوال را پدید آورده که هدف اردوغان چیست و چه چشم‌اندازی برای آن متصور است؟ بعضی از تحلیلگران ترکیه می‌گویند دولت اردوغان به منظور خلاص شدن از فشارهای داخلی و ایجاد تجمیع ملی در حال به تصویر درآوردن تهدید بزرگتر در فرامرزهای ترکیه است. براین اساس این تهدیدات بیش از آنکه از تنش واقعی ترکیه با همسایگان جنوبی، شرقی و شمالی خبر دهند از یک طراحی علیه مخالفان و دشواری‌های پیش‌روی دولت اردوغان خبر می‌دهند. در واقع به زعم این تحلیلگران اردوغان دست به ریسک خطرناکی در محیط فرامرزی زده است، برای آنکه ریسک اقدامات محدود کننده در داخل را کاهش دهد.

بعضی دیگر از تحلیلگران ترکیه معتقدند تنش‌های خارجی ترکیه بیانگر آن است که اردوغان و داود اوغلو مشکل اصلی بقا خود را نه در داخل مرزها بلکه در خارج مرزها می‌دانند. از نظر این تحلیلگران مشکل مهم اردوغان و دولت او در داخل نیست چرا که به هر حال چه به اعتبار انتخابات خرداد و چه به اعتبار انتخابات آبان، حزب عدالت و توسعه با فاصله زیاد از احزاب دیگر، مهمترین حزب و نیروی سیاسی ترکیه به حساب می‌آید از سوی دیگر مخالفان او در سه حزب اصلی (کردها)، حزب جمهوری خلق و حزب دمکراتیک ملی با یکدیگر درگیر هستند مثلاً حزب دمکراتیک ملی و حزب جمهوری خلق بیش از حزب عدالت و توسعه با حزب و کردها مخالفند کما اینکه بیش از آنکه با حزب عدالت و توسعه مخالف باشد با دو حزب دیگر مخالف است. با این وصف اردوغان در داخل مشکل اساسی ندارد که بخواهد برای سوار شدن بر اوضاع داخلی توجهات را به بحران فرامرزی جلب نماید.

این دسته از تحلیلگران معتقدند اردوغان و حزب او به دلیل سیاست‌های خاص، مطلوبیت خود را نزد مهم‌ترین حامیان که اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها هستند، از دست داده‌اند، تلاش گروه فتح‌الله گولن که وابستگی آن به آمریکا علنی است و تردیدی در آن راه ندارد، برای سرنگون کردن اردوغان - در جریان بحث مبارزه با فساد و ماجراهای پارک گرسی - اردوغان را واداشت تا با استفاده از قدرت رسانه‌ای و نفوذی که داشت ارتشی‌های هوادار گولن و نیز قضات وابسته به او را برکنار و زندانی کند و این در حالی است که غرب حدود ۱۳ سال پیش از طریق همین جریان فتح‌الله گولن و مدارس و مؤسسات فراوان او به روی کار آمدن اردوغان و حزب عدالت و توسعه کمک کرد چرا که در مقطع بحران مالی، اروپا به ترکیه‌ای با ثبات و برای آن که پل اقتصادی ارتباط اروپا و آسیا به حساب می‌آمد نیاز داشت در آن مقطع روی کار آمدن یک دولت با ثبات در ترکیه برای غرب موضوعی استراتژیک محسوب می‌شد تا جایی که در همان شرایط بحران اقتصادی، چهار میلیارد دلار به ترکیه کمک کرد. درگیری اردوغان و گولن در سال گذشته که منجر به افشاگری گروه گولن علیه فرزندان و اطرافیان اردوغان از یک سو و بستن مدارس و مؤسسات گولن از سوی دولت اردوغان از سوی دیگر شد، نشان داد که دوره ماه غسل بین این دو جریان شبه مذهبی به پایان رسیده است. در این میان هواداری از گولن که از نفوذ بسیار بالایی در آمریکا و اروپا و بخش‌هایی از آسیا برخوردار است، اولویت خود را نشان داد. غرب که سیاست مقابله با اسلام‌گرایی را بعنوان راه حل خلاص شدن از فشار انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت ارزیابی می‌کند، به گولن بیش از اردوغان چشم دوخته است. از نظر غرب، اردوغان از یک سو نتوانسته است در نقش مهار انقلاب اسلامی، موفقیتی بدست آورد و از سوی دیگر دوره او به پایان رسیده و باید الگوی جدیدی وارد میدان شود. غربی‌ها معتقدند پیروان گولن می‌توانند به میدان بیایند. کاری را که اردوغان و حزب او نتوانستند انجام دهند، به سرانجام برسانند.

از منظر این تحلیلگران، اردوغان طی هفته‌های اخیر و بخصوص پس از برگزاری انتخابات آبان ماه درصد است تا غرب را متقاعد کند که

برای انجام دستورات آماده است. حمله به هواپیمای سوخوی ۲۴ روسیه، چنگ و دندان نشان دادن علیه ایران، اعزام نیروی نظامی به شمال عراق و فعال‌سازی رابطه با رژیم صهیونیستی که در جریان کشتی مرمه به سردی گرائیده بود، بخش‌هایی از دلایل و نشانه‌های درستی این تحلیل به حساب می‌آیند. در واقع از این منظر تهدیدات فرامرزی اردوغان و اقدامات اخیر او می‌تواند آغاز یک ماجراجویی جدید منطقه‌ای باشد و لذا در مواجهه با این روند باید هوشیار بود. اقدامات ضد امنیتی اردوغان در فرامرزه‌های منطقه‌ای نمی‌تواند بدون پاسخ رها شود. در عین حال پاسخ متقارن به تحریکات امنیتی اردوغان هم بازی در میدان او به حساب می‌آید همانطور که در یادداشت قبلی آمد زمان حساس است و به هوشیاری بیشتری نیاز داریم.

سعدالله زارعی

منبع: الوقت

۳۰۱۳۰۲